



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»
دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ
پایان نامه دکتری
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

الگوهای نظری مناسبات دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر احمد واعظی

استادان مشاور:

حجت الاسلام دکتر داود فیرحی

حجت الاسلام دکتر محمود شفیعی

نگارش:

علی ملکی

۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یاد و سپاس

اگر این تحقیق در مجموعه کارهای پژوهشی ارزشی داشته باشد و امدار انسان‌های ارجمندی است که بدون راهنمایی و پشتیبانی آنان هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسید و در این مجموعه بر خود لازم می‌دانم از همه آن عزیزان تشکر و قدردانی نمایم و اگر کاستی‌هایی در آن وجود دارد از قصور نگارنده آن می‌باشد.

ابتدا بر خود لازم می‌دانم از همراهی و زحمات حجه الاسلام والمسلمین دکتر احمد واعظی که وقت و بی وقت مصدع اوقات ایشان می‌شدم و با تواضع و گشاده رویی راهنمایی‌های ارزشمندی ارائه می‌نمودند تشکر نمایم. جناب آقای دکتر داود فیرحی علاوه بر بهره‌مندی در دوره تحصیل از مشاوره‌ها و پیشنهادهای ارزنده ایشان در طول نگارش رساله بهره‌مند بودم و از همکاری و همدلی ایشان تشکر می‌کنم. از زحمات و تلاش‌های جناب آقای دکتر محمود شفیع‌ی سپاسگذارم که همواره به صورت جدی و صمیمانه مشاوره‌های ارزشمندی در جهت غنی‌تر شدن پژوهش داشتند. هم‌چنین از دکتر بهروزی لک مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع)، دکتر لک‌زایی، دکتر میراحمدی، دکتر میرموسوی، دکتر پزشکی، دکتر فراتی، دکتر یزدانی مقدم به دلیل بهره‌گیری از پیشنهادات و توصیه‌های ارزشمند آنان تشکر و قدردانی می‌کنم.

لازم می‌دانم از حجه الاسلام والمسلمین دکتر ارسطا ریاست محترم دانشگاه باقرالعلوم(ع) و معاون محترم آموزشی جناب آقای دکتر ستوده که این پژوهش در دوره تصدی آنان انجام شد و با مساعدت آنان مراحل اداری را طی کرده است تشکر و قدردانی نمایم.

از همکاری خوب دوستان عزیز در کتابخانه دانشگاه باقرالعلوم(ع) خصوصاً آقایان جلیلی، کارگر و کمار صمیمانه تشکر می‌کنم.

فرصتی است تا از کلیه کسانی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در انجام این پژوهش و فعالیت‌های علمی اینجانب نقش مهمی داشتند تشکر کنم. از پدر عزیزم که همواره با حمایت و دعا‌های خالصانه‌اش همراه بنده بودند. بر روح مادر عزیزم درود می‌فرستم و خود را در همه عمر مدیون تلاش‌ها و محبت‌های او می‌دانم و علو درجات برای ایشان از خداوند منان مسئلت دارم. هم‌چنین از همسرم خانم دلاوری و فرزندانم مصطفی و معصومه که همراه و همدم بنده در زندگی علمی ام بوده‌اند صمیمانه تشکر می‌کنم و نوشته‌های خود را به آنان تقدیم می‌کنم.

چکیده

رساله حاضر با بهره‌گیری از روش‌شناسی انتقادی مبتنی بر گُنش ارتباطی به تبیین مناسبات دین و دولت در دوره جمهوری اسلامی می‌پردازد. بر این اساس هم‌الگوهای رسمی و غیررسمی مناسبات دین و دولت را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و هم در الگوی مطلوب خود با عنوان «تعامل دائمی دین و دولت در حوزه عمومی» از نظریه گُنش ارتباطی بهره می‌گیرد.

نظریه گُنش ارتباطی انسجام اجتماعی را فارغ از نگرش تک‌ساحتی مورد توجه قرار می‌دهد و با استخدام مفاهیمی مانند جهان زیست، سیستم (نظام)، حوزه عمومی و دموکراسی گفتگویی مناسبات دین و دولت را در حوزه عمومی آزاد از سلطه قدرت دولتی و سلطه ثروت در چارچوب اصل «تعامل» مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. پس از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی برای تبیین مناسبات دین و دولت الگوهای مختلفی شکل گرفته است. در این پژوهش چهار الگوی رایج و غیررایج پس از انقلاب اسلامی با عنوان‌های؛ الگوی عقلانیت روشنفکری سکولار، الگوی عقلانیت روشنفکری دینی، الگوی عقلانیت دینی مدرن اصولگرا و الگوی عقلانیت دینی مدرن دموکراتیک طرح، نقد و بررسی شده است و سپس الگوی مطلوب جهت تعامل الگوهای موجود در بستری مناسب با استفاده از نظریه گُنش ارتباطی پیشنهاد شده است. در استناد به مباحثه و تعامل دین و دولت در حوزه عمومی، از اندیشه‌های سیاسی برخی اندیشمندان مسلمان مانند؛ علامه سید محمدحسین نائینی و علامه سید محمدحسین طباطبایی استفاده شده است.

بر این اساس مشکلات تئوریک و عملی مناسبات دین و دولت در صورتی حل می‌شود که عقلانیت دینی، مدرن و سایر عقلانیت‌ها از ادعاهای مطلق در حوزه‌های مساله خیز دولت دست برداشته و ادعاهای خود را از طریق استدلال و به صورت گفتگو در حوزه عمومی بیان کنند. در این صورت براساس مسایل مشترک در مرزهای تیره گفتگو می‌کنند. این الگو، در عرض الگوهای چهار گانه فوق‌نموده بلکه در طول آن‌هاست و دعوت به گفتگوی آزاد و فارغ از انحاء سلطه در مناسبات دین و دولت می‌کند.

فهرست مطالب

مقدمه: طرح تحقیق.....	۱
۱- بیان مسأله.....	۲
۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن.....	۶
۳- سابقه پژوهش.....	۷
۴- سؤال اصلی پژوهش.....	۱۰
۵- فرضیه‌های پژوهش.....	۱۰
الف - فرضیه اصلی.....	۱۰
ب - فرضیه‌های جانشین.....	۱۱
۶- مفاهیم و متغیرها.....	۱۱
الف - تعریف دین.....	۱۱
ب - تعریف دولت و دولت مدرن.....	۱۲
۷- متغیرها.....	۱۴
الف - متغیرهای معطوف به بحث‌های انتقادی.....	۱۴
ب - متغیرهای معطوف به بحث‌های تجویزی.....	۱۵
۸- سئوالات فرعی پژوهش.....	۱۵
۹- پیش فرض‌های پژوهش.....	۱۵
۱۰- اهداف پژوهش.....	۱۶
۱۱- روش پژوهش.....	۱۶
۱۲- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها.....	۱۹

۲۰	۱۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها
۲۰	۱۴- سازمان‌دهی پژوهش
۲۱	فصل اول: روش و نظریه
۲۲	گفتار اول: روش شناسی انتقادی مبتنی بر گُنش ارتباطی
۲۲	مقدمه
۲۲	۱-۱- روش شناسی انتقادی مبتنی بر گُنش ارتباطی
۲۳	۱-۱-۱- پوزیتیویسم و علوم اثباتی
۲۶	۲-۱-۱- روش شناسی تفهیمی و تفسیری
۲۷	۳-۱-۱- روش شناسی انتقادی و مارکسیسم
۳۱	۲-۱- وجوه ایجابی نظریه انتقادی
۳۱	۱-۲-۱- گُنش ارتباطی
۳۷	۲-۲-۱- رابطه گُنش ارتباطی با جهان زیست و سیستم
۴۲	۳-۲-۱- حوزه عمومی عرصه‌ای برای مفاهمه و تعامل
۴۷	۳-۱- بهره‌گیری از نظریه گُنش ارتباطی در جامعه دینی
۵۴	۴-۱- تعامل دین و دولت در اندیشه متفکران مسلمان
۵۵	۱-۴-۱- طرح نظریه گُنش ارتباطی در بستر فقه سیاسی
۶۲	۲-۴-۱- طرح نظریه گُنش ارتباطی در بستر فلسفه سیاسی
۷۳	۵-۱- نظریه گُنش ارتباطی و مناسبات دین و دولت در ایران
۸۰	گفتار دوم: صورتبندی الگوهای نظری دین و دولت در ج.ا.ا.
۸۰	مقدمه
۸۱	۶-۱- الگوهای نظری دین و دولت در ایران
۸۵	۷-۱- الگوهای دین و دولت در این پژوهش

فصل دوم: الگوی نظری عقلانیت روشنفکری سکولار.....	۹۱
مقدمه.....	۹۲
۱-۲- مدرنیته و عقلانیت مدرن.....	۹۳
۱-۱-۲- دولت و دولت مدرن.....	۹۸
۲-۱-۲- عقلانیت مدرن و دموکراسی.....	۱۰۴
۳-۱-۲- روشنفکری.....	۱۱۲
۴-۱-۲- سکولاریسم.....	۱۱۲
۵-۱-۲- سکولاریسم و عقلانیت سکولار.....	۱۱۳
۶-۱-۲- سکولاریزاسیون.....	۱۱۴
۷-۱-۲- روشنفکری مدرن (سکولار).....	۱۱۸
۸-۱-۲- عقلانیت و عقلانیت مدرن (سکولار).....	۱۱۹
۲-۲- نسبت دین و دولت در جهان مدرن.....	۱۲۱
۳-۲- الگوی روشنفکری سکولار: حذف دین از حوزه دولت.....	۱۲۶
۱-۳-۲- معرفی برخی نمایندگان این الگو.....	۱۲۷
۲-۳-۲- ادله طرفداران الگوی سکولار.....	۱۳۴
۴-۲- نقد و ارزیابی الگوی روشنفکری سکولار.....	۱۳۶
فصل سوم: الگوی نظری عقلانیت روشنفکری دینی.....	۱۴۶
مقدمه.....	۱۴۷
۱-۳- مفهوم روشنفکری دینی.....	۱۴۸
۲-۳- صورتبندی جریان روشنفکری دینی.....	۱۵۲
۱-۲-۳- روشنفکری دینی چپ.....	۱۵۲
۲-۲-۳- روشنفکری دینی لیبرال (دموکراتیک).....	۱۵۳
۳-۳- برخی نمایندگان الگوی روشنفکری دینی.....	۱۵۴

۱۷۱	۳-۴- الگوی روشنفکری دینی در باره دین و دولت
۱۷۲	۳-۴-۱- دین از نگاه روشنفکری دینی
۱۷۷	۳-۴-۲- حکومت دموکراتیک دینی (حکومت دینداران)
۱۷۸	۳-۴-۳- تکثرگرایی فرهنگی و دینی
۱۷۹	۳-۴-۴- جامعه مدنی و احزاب سیاسی
۱۸۰	۳-۴-۵- آزادی
۱۸۱	۳-۵- ادله طرفداران الگوی روشنفکری دینی درباره مناسبات دین و دولت
۱۸۹	۳-۶- نقد و ارزیابی الگوی روشنفکری دینی
۲۰۴	فصل چهارم: الگوی نظری عقلانیت دینی مدرن اصولگرا
۲۰۵	مقدمه
۲۰۶	۴-۱- عقلانیت دینی
۲۰۶	۴-۱-۱- عقلانیت دینی اصولگرا
۲۰۹	۴-۱-۲- عقلانیت دینی مدرن
۲۱۱	۴-۲- عقلانیت دینی سنتی
۲۱۳	۴-۳- برخی نمایندگان الگوی اصولگرایی دینی
۲۱۶	۴-۴- الگوی نظری مناسبات دین و دولت
۲۱۶	۴-۴-۱- تعریف دین
۲۱۷	۴-۴-۲- تعریف دولت و حکومت
۲۱۹	۴-۴-۳- رابطه دین و دولت
۲۲۲	۴-۴-۴- دموکراسی
۲۲۳	۴-۴-۵- انتخابات و پذیرش آراء اکثریت
۲۲۴	۴-۴-۶- قانونگذاری
۲۲۵	۴-۴-۷- احزاب سیاسی و جامعه مدنی

۲۲۷ ۴-۴-۸ آزادی
۲۲۹ ۴-۵ ادله مخالفت با سکولاریسم
۲۳۲ ۴-۶ نقد و ارزیابی الگوی اصول‌گرایی دینی
۲۴۰ فصل پنجم: الگوی نظری عقلانیت دینی مدرن دموکراتیک
۲۴۱ مقدمه
۲۴۱ ۵-۱ عقلانیت دینی مدرن دموکراتیک
۲۴۲ ۵-۲ برخی نمایندگان الگوی دینی مدرن دموکراتیک
۲۴۶ ۵-۳ الگوی نظری مناسبات دین و دولت
۲۴۶ ۵-۳-۱ تلقی درباره دین
۲۴۷ ۵-۳-۲ تلقی درباره دولت
۲۴۸ ۵-۳-۳ رابطه دین و دولت
۲۵۰ ۵-۳-۳-۱ نقش مردم در حکومت
۲۵۹ ۵-۳-۳-۲ تنوع برداشت‌ها در متون دینی
۲۶۱ ۵-۳-۳-۳ دموکراسی و پذیرش آراء اکثریت
۲۶۳ ۵-۳-۳-۴ قانونگذاری
۲۷۰ ۵-۳-۳-۵ احزاب سیاسی و جامعه مدنی
۲۷۲ ۵-۴ نقد و ارزیابی الگوی دموکراتیک دینی
۲۷۹ فصل ششم: الگوی تعامل دائمی دین و دولت در حوزه عمومی
۲۸۰ مقدمه
۲۸۵ ۶-۱ الگوی مطلوب: کنش ارتباطی دین و دولت در حوزه عمومی
۲۸۵ ۶-۱-۱ اصول گفتگو در نظریه کنش ارتباطی
۲۹۲ ۶-۲ بازسازی نظریه کنش ارتباطی در جامعه اسلامی
۲۹۴ ۶-۲-۱ اصول و مبانی گفتگو در جامعه اسلامی

۲۹۷	۲-۲-۶- مسایل و موضوعات مورد گفتگو
۲۹۸	۳-۲-۶- اصول و مبانی گفتگو در قانون اساسی ج.ا.ا.
۲۹۹	۴-۲-۶- معیارهای گفتگو در قانون اساسی
۳۰۱	۵-۲-۶- قانون اساسی بستری برای گفتگوی عمومی
۳۰۳	۳-۶- آموزه‌های دینی درباره گفتگو در حوزه عمومی
۳۱۰	۴-۶- حوزه عمومی در ایران
۳۲۱	۵-۶- مزایا، تجویزها و پیشنهادات پژوهش
۳۲۶	خاتمه: خلاصه و نتیجه‌گیری
۳۳۹	فهرست منابع

مقدمه:

طرح تحقیق

۱- بیان مسأله

دین در تاریخ ایران نهاد فراگیری بود که رابطه انسان ایرانی را با خدا، انسان‌های دیگر، خود و طبیعت مشخص می‌کرد و برای حوزه‌های مختلف زندگی، حقوق و احکامی مشخص بیان می‌نمود. دولت هم پدیده دیرین در تاریخ بشر بود و در شکل جدیدش در ایران همواره بزرگ‌ترین نهاد تأثیرگذار در زندگی اجتماعی مردم ایران در ابعاد مختلف نقش محوری ایفا می‌کرد. اما دو نهاد دین و دولت در تاریخ معاصر ایران پس از مشروطه، همنشینی سنتی خود را به تعارض با همدیگر جایگزین کردند و همین تعارض باعث جزیره‌ای شدن جامعه و آنچنان بحران‌هایی گشت که به فروپاشی نظام مشروطه و پهلوی منجر شد. آنگاه مردم ایران برای هماهنگ‌سازی تاریخ و جامعه خود با ارزش‌های دینی و همچنین بهره‌گرفتن از تجارب عقلانی بشر، دست به تأسیس نظامی زدند که در آن سیاست و دیانت به جای تعارض، همنشینی در وجه جدید را تجربه می‌کنند. توجه به دو رکن جمهوریت و اسلامیت در بنیاد نظام سیاسی جدید حاکی از آگاهی تاریخی ایرانیان به حفظ هویت دینی خود همزمان با التزام به تجارب عقلانی بشر می‌باشد. به همین سان در درون جمهوری اسلامی تلاش بر این قرار گرفت که دولتی تأسیس شود که آن دولت به اقتضاهای دین و قوانین و مقررات برآمده از آن پایبند باشد و آنچنان نگرشی بر دین مسلط گشت که راهنمای انسان مسلمان ایرانی در همه‌ی حوزه‌های اجتماعی از جمله زندگی سیاسی قرار گیرد. با این حال رسیدن به این آرمان بزرگ نیازمند تأملات تئوریک و نظری است که بتواند حوزه‌های تعارض ظاهری بین ارزش‌های دینی و دولت به مثابه امر عرفی بشری را

مورد تأمل قرار داده و حل و فصل نماید.^(۱) بر این اساس با توجه به تجربه جمهوری اسلامی ایران و حوزه‌های مسأله خیز در ارتباط با دولت جمهوری اسلامی که از ناحیه‌ی پیوندش با آموزه‌های دینی شکل گرفته است، در پژوهش حاضر طی مراحل تلاش خواهیم کرد که این حوزه‌ها را توصیف و تحلیل نماییم. آنگاه با نقد الگوهای نظری مسلط و غیرمسلط، راهکارهای جدیدی را برای غلبه بر مسایل جدید با عنوان الگوی مطلوب در تعامل این الگوها پیشنهاد نماییم. مواجهه عقلانیت دینی متأثر از متون و آموزه‌های اسلام و عقلانیت مدرن فرادینی متأثر از مدرنیته و تجربه بشری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... باعث بروز منازعات فکری و عملی شد. اگرچه بررسی تعارض و تلائم آنها در حوزه‌های مختلف قابل بررسی است اما ما این موضوع را در بستر دولت بررسی خواهیم کرد. بدین لحاظ در قانون اساسی ج.ا.ا. هم عناصر و داده‌های دولت مدرن و هم دولت دینی ترکیب یافته و تلاش شده است، علاوه بر عقلانیت دینی، به عقلانیت‌های دیگر؛ از جمله عقلانیت مدرن هم درحوزه دولت مانند؛ دولت ملی، احزاب سیاسی، دیوانسالاری، یکپارچگی و نظایر آن توجه شود.

انقلاب اسلامی ایران برخلاف اکثر نظام‌های سیاسی جهان که تز سکولاریسم را پذیرفته بودند، بر حضور دین در عرصه‌های عمومی زندگی تأکید کرد. تجربه سی ساله جمهوری اسلامی مشخص کرد که تبیین مناسبت‌های آن دو ساده نبوده فقدان الگویی که بتواند مناسبات عقلانیت دینی و مدرن را در حوزه دولت توضیح دهد باعث بروز یکسری مشکلات تئوریک و عملی هم شده است.^(۲) اگر برداشت و رویکرد دولت درباره دین اجراء شود پدیده‌ی «دین دولتی» شکل می‌گیرد که مد نظر رهبران انقلاب نبوده است و اگر دین از حوزه دولت جدا شود با دیدگاه‌های امام خمینی(ره) درباره اسلام منافات دارد لذا تعیین مناسبت‌های دین و دولت از حیث نظری در

۱- مثلاً در دهه اول نظام ج.ا.ا. بین قوه مقننه به عنوان قانونگذار و قوه مجریه به عنوان نماینده اجرایی دولت مدرن و شورای نگهبان به عنوان نماینده شریعت در حوزه قواعد و مقررات اجتماعی این نزاع در گرفت که نماینده دولت به دنبال ایجاد محدودیت‌های خاص برای کار فرمایان، دولتی کردن تجارت خارجی و... بود، در حالی که نماینده شرع چنین محدودیت‌هایی را برخلاف شرع می‌دانست.

۲- نبودن معیاری برای دینی بودن فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، یافتن جایگزینی برای احکام قضایی نظیر قصاص، حدود و دیات، برابری دیه اهل کتاب و مسلمانان، تقلیل شرایط قاضی از اجتهاد به آشنایی با فقه و حتی حقوق، گذر از اداره کشور به وسیله خمس و زکات به سوی مالیات و... برخی از مشکلات در حوزه عملی هستند.

الگوهای نظری به صورت روشن بیان نشده است. پس از انقلاب اسلامی رویکردهای مختلفی در این عرصه بروز یافته که هر یک از روش و جهت‌گیری خاصی برخوردارند. به نظر می‌رسد فضای دوگانگی گفتمانی دین و دولت هنوز در اندیشه متفکران حوزوی و دانشگاهی وجود دارد. امروز طرح اندیشه‌های پسا سکولاریسم هم فضای جدیدی را بر این بحث گشوده است.^(۱) مجموعه این شرایط و ویژگی‌ها می‌طلبد که پژوهشی جامع و کامل در این باره انجام شود و مشکلات مربوط به تعامل این الگوها در یک الگوی مطلوب جهت تعامل مناسب مطرح شود که می‌تواند برای نظام جمهوری اسلامی هم راهگشا باشد.^(۲)

اگرچه تحلیل و تبیین مناسبت‌های دین و دولت پس از انقلاب اسلامی مورد توجه و تأمل بوده است اما تاکنون تمرکز جدی و دقیق بر این بحث نشده است که برای اولین بار در این پژوهش انجام می‌شود. هم‌چنین نظریات مختلف که پس از انقلاب در این زمینه مطرح شده است،^(۳) جمع‌بندی و طرح می‌شود که در جای خود می‌تواند مفید باشد. ضمناً چالش‌های عملی الگوهای مسلط و غیرمسلط درباره دین و دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد یعنی در این پژوهش الگوهای نظری رایج، به صورت انتقادی مورد بررسی قرار گرفته و الگوی مطلوب خود را به گونه‌ای ارائه می‌کنیم که بهترین تعامل را بین الگوهای دین و دولت برقرار کند. الگوی جدید با توجه به مباحث زیر است:

۱- مراد از پسا سکولاریسم، گرایش به سوی آشتی بین عقل و ایمان در دنیای پس از تجدد می‌باشد. در عصر تجدد تر سکولاریسم، حکایت از تفکیک قطعی عقل و دین می‌کرد اما در دنیای پسا سکولاریسم اختلاف آن دو کم شده و فضای نرم و خاکستری بین آن دو به جای فضای دوگانه سیاه و سفید به وجود آمده است. نمونه آن را می‌توان در قانون اساسی نروژ مشاهده کرد. اندیشه‌های پسا سکولاریسم را می‌توان در آثار رورتی، هابرماس، ویلیامز و... پیگیری کرد.

۲- شرح و بسط این الگو در طرح تفصیلی امکان پذیر است ولی به برخی از جهت‌گیری‌های آن اشاره می‌کنیم:
- تفکیک بین منصوصات دینی و غیر منصوصات دینی؛ اولی متعلق به حوزه شریعت و دومی متعلق به حوزه دولت
- ملزم شدن دولت به اجرای منصوصات شرعی و عرفیه با راهنمایی دوگانه‌ی عقل و شرع
- تفکیک قوانین غیرقابل تغییر شرعی و قابل تغییر شرعی
- شکل‌گیری اجتهاد دوگانه در حوزه امور متغیر شامل متخصصان شرع و غیرشرع.

۳- این نظریه‌ها با توجه به نقش عقل و دین در امور نوعی و عمومی متفاوت است برخی با قانون‌گذاری در حوزه مباحث احکام هم مخالفتند. مثلاً در الگوی حکومت اسلامی حتی در این حوزه هم نقشی برای تجارب بشری که بتواند قانون وضع کند وجود ندارد. برخی دیدگاه‌ها در امور عمومی به تجارب بشر مراجعه می‌کند. الگوهای نظری در بین این دو طیف هم وجود دارد. در این پژوهش عقلانیت دینی و مدرن شکل گرفته در بستر تاریخی در گفتگوی دائمی پیرامون دولت سازی هستند.

۱- جمع بندی و بهره گیری از الگوهای نظری موجود.

۲- مشکلات عملی که الگوهای موجود داشته‌اند.

۳- تجربه سی ساله نظام جمهوری اسلامی و تجارب بشری در این زمینه.

در این پژوهش مناسبات دین و دولت در یک گفتگوی دائمی و مفاهمه‌ای در حوزه عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد که براساس اصل تعامل استوار است و در چارچوب نظری پژوهش‌گش ارتباطی و نظریه انتقادی برگرفته از آن مورد توجه بوده و از الگوی آن تحت عنوان جهان زیست، سیستم و حوزه عمومی بهره‌گیری خواهد شد. از این طریق عقلانیت دینی از مواهب عقلانیت تاریخی غیردینی بهره‌مند گشته، خود را با تغییرات دائمی تاریخی تطبیق می‌دهد و از سوی دیگر حوزه‌ی دین یک تازی عقلانیت تاریخی را در انهدام اصول بنیادین زندگی دینی - معنوی مهار می‌سازد. مراد از الگوهای نظری در اینجا همان مدل‌ها است که چیزی شبیه واقعیت یا تفسیری از واقعیت است؛ یعنی به مفهوم کشیدن گروهی از پدیده‌ها با کمک یک مبنای منطقی که مقصود نهایی از آن سامان دادن به اصطلاحات و روابط بین متغیرهاست.^(۱)

الگوی گش، ارتباطی پذیرش قواعد دینی و سیاسی را در حوزه دین و دولت از قواعد تحمیلی به مجموعه قواعدی دموکراتیک و پذیرفته شده از قبل تبدیل می‌سازد که ماندگاری نهادینه این قواعد برای همیشه تضمین می‌گردد و در نهایت تمامی حوزه‌های اجتماعی در یک وضعیت تکاملی، کشتاوری خود افزایش‌دهنده قرار می‌گیرد.

در این پژوهش الگوهای نظری درباره مناسبات دین و دولت در ج.ا.ا. مورد بررسی قرار گرفته و مدل مطلوب هم به عنوان الگوی ایده آل وکلان که در عرض الگوهای چهار گانه نبوده و آن‌ها را دعوت به گفتگوی قاعده‌مند می‌کند معرفی می‌شود:

۱- الگوی عقلانیت روشنفکری سکولار .

۲- الگوی عقلانیت روشنفکری دینی .

۳- الگوی عقلانیت دینی مدرن اصولگرا .

۱- آلین استانفورد کوهن، نظریه‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، تهران: قومس، ۱۳۸۰، صص ۷۳-۷۶.

۴- الگوی عقلانیت دینی مدرن دموکراتیک .

و سرانجام الگوی تعامل دائمی عقلانیت دینی، مدرن و سایر عقلانیت ها در امور مسأله ساز دین و دولت درحوزه عمومی طرح می شود تا راهی برای تعامل الگوها فراهم نماید.

هدف الگوی مطلوب آن است که بتواند بین عقلانیت های مختلف تفاهم و سازگاری ایجاد کند و حوزه های تلائم و تنافی بین آنها را در بستری به نام دولت تبیین و تحلیل کند. الگوی کنش ارتباطی ابزار تحلیل درباره مناسبات دین و دولت قرار گرفته است و در سایه آن الگوهای مختلف کشف، نقد و بررسی شده و سرانجام پیشنهادات و تجویزات ایجابی را ارائه می کنیم.

۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

بحث نسبت دین و دولت محوری ترین، مهم ترین و جدی ترین بحث در بین کشورهای اسلامی و ایران است و اندیشمندان غربی و شرقی که درباره مسلمانان بحث می کنند به این مشکل (problem) توجه کافی کرده اند. از نظر برتران بدیع در کتاب «فرهنگ و سیاست» در ادیان غربی (الهی) دو گونه نخبگان آسمانی و زمینی وجود دارد که تبیین رابطه ی آنها مشکل ایجاد می کند. از دیدگاه وی کسانی که دولت مدرن را در غرب دنبال کردند، بحث گسست از دین را مطرح کردند اما این مشکل بزرگ برای مسلمانان باقی مانده است؛ زیرا اسلام دارای آموزه های قوی اجتماعی - سیاسی می باشد و مسلمانان به گونه ای باید این مشکل را حل کنند. عقلانیت مدرن انسان را به سوی دولت مدرن رهنمون می کند که دولتی سکولار است و عقلانیت دینی انسان را به سوی دولت دینی رهنمون می کند. مسلمانان باید از لحاظ نظری تعارض آن دو عقلانیت را در حوزه ی دولت برطرف کنند، کاری که این پژوهش دنبال می کند. برتران بدیع در کتاب «دو دولت» آن را مشکل عمده مسلمانان می داند و معتقد است دولت های غربی این مشکل را ندارند و مسلمانان هم هنوز آن را حل نکرده اند.

از بین اندیشمندان غربی موريس باریبه هم در «مدرنیته سیاسی» از دین و دولت مدرن بحث می کند. مراد او از مدرنیته سیاسی، دولت مدرنی است که به همراه خود آموزه هایی مانند

فردیت، جدایی حوزه خصوصی از عمومی و... را دارد.

بحث نسبت دین و دولت در عین اینکه محوری‌ترین بحث در ایران است، از بحرانی‌ترین مباحث هم هست. در بین اندیشمندان داخل کشور هم این بحث بسیار جدی و مطرح بوده است از این حیث مباحثی مانند عقل و دین، عقل و وحی، مدیریت علمی و فقهی و... به خاطر این است که این مشکل (problem) هنوز حل نشده است. نگارنده به عنوان یک دانشجوی علوم سیاسی که مسایل ایران را مطالعه می‌کند، معتقد است یکی از مهم‌ترین موضوعات تبیین الگوهای نظری درباره مناسبات دین و دولت پس از انقلاب اسلامی است، مخصوصاً آنکه تجربه سی ساله هم در این باره وجود دارد. مباحث بشیریه، نیکفر، طباطبایی و دیگران، همه در این زمینه طرح شده است و ما می‌خواهیم علاوه بر مباحث نظری، راه حل عملی هم ارائه کنیم.

برخی از مزایا و فواید الگوی پیشنهادی این پژوهش درباره دین و دولت عبارتند از:

۱- شفاف شدن مرزهای تیره.

۲- پویایی عقلانیت دینی در فرآیند تعامل با سایر عقلانیت‌ها در حوزه دولت.

۳- تلطیف معنوی عقلانیت مدرن حاکم بر نهاد دولت در تعامل با عقلانیت دینی در نهاد

دین.

۴- ماندگاری دین در جامعه پیچیده مدرن.

۵- هماهنگی دین در جامعه پیچیده مدرن با عقلانیت دیگر حوزه‌ها از جمله حوزه دولت.

۶- مصون ماندن جامعه دینی از عوارض عقلانیت مدرن یکسویه از جمله سکولاریسم.

۳- سابقه پژوهش

درباره رابطه دین و دولت مباحث زیادی در بین اندیشمندان غربی و اسلامی انجام شده است. کتاب‌ها و مقالات زیادی در این باره چاپ شده است ولی این مباحث با آنچه که ما درباره الگوهای نظری درباره مناسبات دین و دولت در ج.ا.ا. دنبال می‌کنیم متفاوت است. در بین

اندیشمندان غربی موريس باریبه در اثر خود^(۱) تقسیم‌بندی دارد که تا حدی با مباحث این پژوهش نزدیک است وی ۴ برداشت از رابطه‌ی دین و سیاست در غرب مطرح می‌کند:

۱- غلبه دین بر سیاست در اندیشه لوتر، کالون، بدن، بوسوئه، دومیستر

۲- غلبه سیاست بر دین در اندیشه ماکیاول، هابز، اسپینوزا، منتسکیو، روسو

۳- تفکیک این دو قلمرو در اندیشه لاک، کنستان، لامنه، توکویل

۴- عدم رابطه بین آن دو در اندیشه سن سیمون، کنت، پرودن، مارکس، انگلس، گرامشی.

از این جهت به کتاب او اشاره کردیم که الگوهای نظری دین و دولت را در اندیشه سیاسی غرب گزارش کرده است.

در ایران صرف نظر از مباحث روزنامه‌ای یکسری تحقیقات نظری درباره دین و دولت وجود دارد که به آن‌ها می‌پردازیم. علیرضا شجاعی زند در آثار مختلف خود سعی کرده است با عینک جامعه‌شناختی به تحلیل مناسبات آن دو بپردازد. وی در کتاب «مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین»^(۲) تلاش می‌کند مناسبات دین و دولت را در دو مقوله مشروعیت و اقتدار مورد بررسی قرار دهد و با کنکاش تاریخی، طبقه‌بندی از الگوی تعامل به دست دهد اما دامنه‌ی جستجوی وی در برهه دو واقعه تاریخی ایران یعنی ورود اسلام و وقوع انقلاب مشروطه است. کتاب وی با مروری بر دولت‌های باستان و سپس عمده‌ترین نظریات پیرامون رابطه‌ی دین و دولت در سنت مسیحی، رایج‌ترین الگوهای تعریف شده از نسبت دین و دولت را در تاریخ ایران معرفی می‌کند. هم شکل ترتیب الگوهایی که وی مطرح کرده است و هم حوزه پژوهش وی با آنچه در این رساله دنبال می‌شود متفاوت است. زیرا این پژوهش از نگاه دوگانه دین و دولت فراتر رفته و به مباحث جدیدتر خواهد پرداخت و بعلاوه آن را به صورت عملی در جمهوری اسلامی ایران تحلیل می‌کند و الگوی انتقادی را براساس گنش ارتباطی بیان می‌کند که اساساً بحث جدیدی است.

۱- موريس باریبه، دین و سیاست در اندیشه مدرن، تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۴.

۲- علیرضا شجاعی زند، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی، تهران: تبیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸.

شجاعی زند در اثر دیگر خود با عنوان «دین، جامعه و عرفی شدن»^(۱) با تعریف دین از منظرهای مختلف به فرآیند عرفی شدن آن در جامعه مسیحی و سپس تأثیر آن در ایران می‌پردازد و معتقد است عرفی شدن در جوامع مختلف را نمی‌توان یک ضرورت حتمی دانست؛ زیرا جوهر دین، ساخت اجتماعی، شرایط تاریخی و فرهنگی در جوامع مختلف، متفاوت است. وی ادیان را به دو دسته تجزّی‌گرا و اندماجی تقسیم‌بندی می‌کند و ادیان اندماجی را در کشورهای مختلف صرفاً نام می‌برد. در نگاه وی دین اسلام برای خود ملاکات و مدعیاتی دارد که از بسیاری جهات بی‌بدیل است و آثار و نتایج متفاوتی را به ظهور می‌رساند که ما هم در این پژوهش به دنبال تحلیل مناسبات دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران هستیم، یعنی با تحولات تاریخی پس از انقلاب اسلامی، الگوهای نظری مختلف در تحلیل مناسبات آن دو را طرح کرده و الگویی را برای تعامل مناسب آن دو پیشنهاد می‌کنیم.

شجاعی زند در اثر دیگر خود با عنوان «عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی»^(۲)، ضمن بیان فرآیند و همینطور نظریه‌های عرفی شدن، معتقد است عرفی شدن در اسلام با تجربه مسیحی متفاوت است. اسلام آخرین دین و دین اتمّ و اکمل بوده و آموزه‌های آن دنیوی و اخروی است. این ویژگی‌ها، اسلام را دینی با قابلیت عرفی پدید آورده است و نباید تجربه‌ی عرفی شدن مسیحیت که در مدرنیته غربی تحقق یافته به اسلام سرایت داد. اسلام دینی است که به دنیا و آخرت، عقل و ایمان، دولت و دین، فرد و جامعه پرداخته است. این مباحث با بحث الگوهای نظری مناسبات دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران تفاوت دارد.

حمیدرضا اسماعیلی در کتاب «دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر»^(۳) به بحث رابطه دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر پرداخته و رویارویی اندیشمندان متجدد و مذهبی را در این زمینه از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به بحث گذاشته است. وی ابتدا با پژوهش

۱- علیرضا شجاعی زند، دین، جامعه و عرفی شدن، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰

۲- علیرضا شجاعی زند، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، تهران: باز، ۱۳۸۱

۳- حمیدرضا اسماعیلی، دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶

ابعاد و معانی متعدد نسبت دین و سیاست براساس سه روش استقرایی، انتزاعی، منطقی و تحلیلی به بیان باورهای رایج درباره چگونگی نسبت دین و سیاست می‌پردازد و سپس به بیان افکار اندیشمندان مختلف از مشروطه تا انقلاب اسلامی توجه می‌کند.

آنچه که پژوهش حاضر را از نوشته‌های فوق‌الذکر جدا می‌کند طرح الگوهای نظری با نگاهی جدید و در محدوده زمانی پس از انقلاب اسلامی می‌باشد؛ یعنی در ایران الگوهای نظری مختلفی از قبل درباره مناسبات دین و دولت مطرح می‌شود ولی تجربه‌ی عملی جمهوری اسلامی و چالش‌های این الگوهای نظری در اجراء، راه را برای طرح مباحث جدیدتر گشوده است. هم‌چنین این پژوهش از نگاه جزمی و دوگانه دین و دولت که در بین اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی وجود دارد فراتر می‌رود. مهم‌تر از همه، طرح الگو تعامل الگوها با استفاده از روش انتقادی مبتنی بر کُش ارتباطی می‌تواند مشکلات تئوریک و عملی تلائم دین و دولت را رفع نماید.

۴- سؤال اصلی پژوهش

با توجه به چالش‌های الگوهای نظری مناسبات دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران، چه الگوی مطلوبی برای تعامل دین و دولت در جمهوری اسلامی می‌توان ارائه کرد؟

۵- فرضیه‌های پژوهش

الف - فرضیه اصلی

با توجه به چالش‌های الگوهای نظری مناسبات دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران، الگوی مطلوب پژوهش حاضر این است که عقلانیت دینی و سایر عقلانیت‌ها در یک گفتگوی دائمی و همگانی از طریق نهادها و رسانه‌های عمومی آزاد در حوزه عمومی و فارغ از سلطه قدرت و ثروت قرار گیرند؛ به گونه‌ای که حضور دین در حوزه دولت (در موارد مساله خیز و غیر از مقبولات دینی مشترک جامعه) از طریق اجماع حاصل از گفتگوهای دموکراتیک شهروندان و متفکران سیاسی - اجتماعی که آشنا به مباحث آن دو بوده و در این زمینه ادعاها و استدلال‌هایی دارند، باشد.